

عنوان مقاله:

اختلافات مبنایی حکمت هنر متعالی با زیباییشناسی هنر مدرن

محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

نویسنده:

سمیه مرادی - کارشناس ارشد تهران مرکز رشته نقاشی

خلاصه مقاله:

فیلسوفان عصر جدید بر این باورند که نظامهای فلسفی پیشین به دلیل مباحث انتزاعی و دشوارفهم خود از ویژگی همگانی بودن بی بهره مانده و ارتباط خویش را با پرسشهای زندگی از دست داده اند در عصر جدید، نیچه از جمله کسانی بود که برای نخستین بار در این موضوع سخن گفت. وی بر این باور بود که فلسفه رابطه خود را با اندیشیدن از دست داده و به کلاس های فلسفه محدود شده است. از این رو، اندیشه او سرآغاز حرکتی شد که سرانجام به نقد نظام های متافیزیکی و دگرگونی شیوه بیان اندیشه های فلسفی انجامید. در قرن بیستم فیلسوفان اگزیستانسیالیست کوشیدند اندیشیدن را همگانی سازند. برخی از آنان به جای پرداختن به بحث های انتزاعی و فلسفی، به موضوعها و مسائلی در زمینه حیات زندگی و معناداری آن اهتمام ورزیدند و تلاش کردند برای مسائل انسانی مانند رهایی از رنج، پوچی، اعتماد به خویشتن شاد زیستن درد جاودانگی سعادت نشاط در زندگی و آزادی پاسخی بیابند آنان برای این مقصود کوشیدند اندیشه های خویش را به میان توده های مردم بکشانند و در شکل و قالب هنر و ادبیات که همه فهم هستند بیان کنند

کلمات کلیدی:

هنر متعالی - هنر مدرن - زیباییشناسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1960243>

